[**خطبه‌ی اول** 3](#_Toc454424388)

[دو دوره‌ی زندگی حضرت رسول اکرم9 پس از بعثت 3](#_Toc454424389)

[حکومت و قوانین اجتماعی قبل و بعد از بعث نبی اکرم9 3](#_Toc454424390)

[ظهور اسلام و پایه‌گذاری دولت اسلامی فرامنطقه‌ای 4](#_Toc454424391)

[جنگ‌های حضرت رسول9 در طول ده سال حاکمیت در مدینه 4](#_Toc454424392)

[نامه‌های حضرت رسول اکرم9 به نقاط برون مرزی 4](#_Toc454424393)

[دیپلماسی فعال رسول اکرم9 5](#_Toc454424394)

[تشریح تشکیل حکومت اسلامی توسط نبی مکرم اسلام9 5](#_Toc454424395)

[تدابیر حکیمانه‌ی نبی اکرم9 مانع از بین رفتن اسلام 6](#_Toc454424396)

[عدم آسایش مردم مدینه یکی از سیاست‌های رسول خدا9 6](#_Toc454424397)

[سال ششم و حرکت به سوی مکه 7](#_Toc454424398)

[تبیین سفر حج 7](#_Toc454424399)

[حدیبیه و بیعت دوباره‌ی پیامبر اکرم9 با مردم 8](#_Toc454424400)

[بیعت شجره بیعت با حضرت حق و نزول آرامش به مومنین 9](#_Toc454424401)

[دو واقعه‌ی صلح حدیبیه و فتح مکه، نقاط عطف جهانی شدن دولت اسلامی 10](#_Toc454424402)

[صلح پیامبر اکرم9 با کفار مکه 11](#_Toc454424403)

[نقض عهدنامه از طرف مشرکین و حرکت مسلمانان به سمت مکه 11](#_Toc454424404)

[ارسال نامه به دولت‌های اطراف بعد از فتح مکه توسط رسول اکرم9 11](#_Toc454424405)

[رساندن صدای حق و حقیقت به گوش تمام عالم 12](#_Toc454424406)

[**خطبه‌ی دوم** 13](#_Toc454424407)

[توصیه‌ی به تقوا در کلام امیرالمومنین9 13](#_Toc454424408)

[یاد مرگ در کلام امیرالمومنین9 14](#_Toc454424409)

[میلاد رسول اکرم و امام جعفرصادق8 و هفته‌ی وحدت 14](#_Toc454424410)

[سوم خرداد و فتح خرمشهر 14](#_Toc454424411)

[انقلاب نوظهور، مورد هجمه‌ی تمام قدرت‌های جهانی 15](#_Toc454424412)

[استفاده از سلاح‌های شیمیایی در جنگ تحمیلی توسط دشمن 16](#_Toc454424413)

[تهدیدهای پی‌درپی مسئولین آمریکایی 16](#_Toc454424414)

[هوشیاری ملت و دولت در قبال تهدیدها 17](#_Toc454424415)

[حفظ انسجام و وحدت در کشور 17](#_Toc454424416)

[حفظ ارزش‌های اسلامی 17](#_Toc454424417)

[عدم اظهار ضعف و سستی در برابر دشمن 17](#_Toc454424418)

[**دعا** 18](#_Toc454424419)

**خطبه‌ی اول**

السلام علیکم و رحمۀ الله

**أَعُوذُ بِاللَّـهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ بِسْمِ اللَّـهِ الرَّحْمَـنِ الرَّحِيمِ**. نحمده علی ما کان و نستعینه من امرنا علی ما یکون و نؤمن به و نتوکل علیه و نستغفره و نستهدیه و نعوذ به من شرور انفسنا و سیئات اعمالنا و نصلی و نسلم علی سیدنا و نبینا ابی القاسم محمد و علی آله الاطیبین الاطهرین، سیما بقیۀ الله فی الارضین.

**أَعُوذُ بِاللَّـهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ بِسْمِ اللَّـهِ الرَّحْمَـنِ الرَّحِيمِ (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّـهَ حَقَّ تُقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنتُم مُّسْلِمُونَ)[[1]](#footnote-1)** **عبادَالله اُوصیَکُم وَ نَفسیِ بِتَقوَی الله وَ مُلازِمَة امرِه وَ مُجانِبَة نَهیِه وَ تَجَهَزوا عِبادَالله فَقَد نُودِیَ فیکُم بِالرَحیل[[2]](#footnote-2) (وَ تَزَوَدوا فَإِنَّ خَیرَ الزاد التقوی)[[3]](#footnote-3)**

همه شما نماز گزاران گرامی، برادران و خواهران ارجمند و خودم را به پارسایی، پرهیزکاری و فرمان‌بری از خداوند در همه‌ی احوال و شئون زندگی، سفارش و دعوت می‌کنم و از خداوند می‌خواهیم که درهای حکمت و بندگی و پارسایی را به روی همه ما بگشاید. امیدواریم خداوند همه‌ی ما را از بندگان وارسته و شایسته‌ی خود قرار بدهد.

**دو دوره‌ی زندگی حضرت رسول اکرم9 پس از بعثت**

همان طور که ستحضر هستید، رسالت پیامبر بزرگوار اسلام9 یک رسالت جهانی بود که مورد خطاب خدا و سخن خدا قرار گرفت. بعثت پیامبر خدا با یک غربت فوق العاده و با زحمات فراوانی شروع شد. همان طور که می‌دانید دوره پس از بعثت رسول خدا، به دوره‌ی مکه و مدینه تقسیم می‌شود.

**حکومت و قوانین اجتماعی قبل و بعد از بعث نبی اکرم9**

دوره‌ای که حضرت در مکه بودند، حکومتی نبود و دولتی حاکم بر مکه و مدینه نبود. به طور کلی در مکه و مدینه دولت به آن معنایی که بعدها پیدا شد، یعنی حکومت متمرکز، قانون‌مند و تعریف شده، وجود نداشت. بیشتر یک زندگی قبیله‌ای و عشیره‌ای و قوانین مختصری هم برای روابط بین قبائل و عشایر در حجاز حاکم بود نه بیشتر. رسول خدا در دوره‌ی مکه در مقابل قبائل و عشایر و سران کفری قرار گرفت که بسط و نشر اسلام بر طبق مصالح آن‌ها نبود. از همین جهت، برای ایستادگی در برابر رسالت پیامبر بزرگوار اسلام هر چه در توان داشتند، خرج کردند. از هیچ چیزی کم نگذاشتند. بالاخره آن فصل طولانی و پر رنج و الم مکه گذشت و رسول خدا با هجرت خود، وارد مدینه شدند و در مدینه دولتی تشکیل دادند. تاریخ معتبر، این را نشان می‌دهد که اصولا در آن خطه و سرزمین، دولت و قوانین مدنی و اجتماعی به آن معنایی که اسلام آورد، وجود نداشت.

**ظهور اسلام و پایه‌گذاری دولت اسلامی فرامنطقه‌ای**

اسلام و رسالت رسول خدا علاوه بر اینکه پیام معنوی جدید و نکته‌ی جدیدی برای زندگی مادی و معنوی بشر داشت، پایه‌گذار یک دولت جدید در حجاز و تمدن نوین در سطح عالم بود؛ یعنی اسلام یک دین فرامنطقه‌ای، دین جهان شمولی که پایه‌گذار دولت و قانون در مکه و مدینه بود و از طرفی هم پایه‌گذار یک تمدن جدید برای بشریت. اسلام این جایگاه را داشت. دولت پیامبر بزرگوار اسلام در مدینه یک دوره‌ی بسیار الهام بخش و درس‌آموز برای انسان‌ها و مسلمان‌ها در طول تاریخ است.

**جنگ‌های حضرت رسول در طول ده سال حاکمیت در مدینه**

حضرت در طول ده سال دوره‌ی مدینه، ده‌ها جنگ در ابعاد و مقیاس‌های بزرگ آن زمان و جنگ‌هایی در مقیاس‌های کوچک رخ داد. جنگ‌هایی مانند بدر، احد، خیبر و حنین و امثال این جنگ‌های بارز و در مقیاس بزرگی بود که آن زمان تحقق پیدا کرد. علاوه بر این جنگ‌های بزرگ، جنگ‌های کوچک‌تری در طول آن دوره، اتفاق افتاد.

**نامه‌های حضرت رسول اکرم9 به نقاط برون مرزی**

در میان این حوادث و وقایعی که در طول دوره‌ی دولت رسول خدا و حکومت اسلامی که در مدینه مستقر شده بود اتفاق افتاد، دو سه واقعه هست که دولت اسلامی و حکومت رسول خدا را وارد یک مرحله‌ی جدیدی کرد. رسول گرامی اسلام علاوه بر آنچه که در مورد خود مدینه و قبائل و عشایری که در اطراف مدینه بودند و علاوه بر آنچه که در مکه پیامبر خدا برای نشر اسلام و بسط مکتب الهی انجام داد، در همان سال‌های آخر عمر پربرکتشان، دنیا را مخاطب یک سخن جدیدی قرار داد.

فصلی در تاریخ اسلام به نام مکاتیب الرسول وجود دارد. نامه‌هایی که پیامبر اسلام به نگارش درآورد و به نقاط مختلف عالم فرستاد. این یک فصل در تاریخ اسلام است. نامه‌های رسول خدا به خارج از منطقه‌ی حجاز و جزیرۀ العرب بود. چون دامنه‌ی کار رسول خدا در طول سال‌های مدید به همان مکه، مدینه و مقداری هم به قبایل و عشایر پیرامون و نهایتا جزیرۀ العرب محدود می‌شد. ثقل کار رسول خدا، منطقه‌ای به نام جزیرۀ العرب بود. اما در عین حال، به دلیل اینکه پیام اسلام در ذات خود، جهانی است؛ به دلیل اینکه قرآن سخن نویی را برای بشریت به ارمغان آورده بود؛ به دلیل اینکه در ذات اسلام، جهان شمولی نهفته است و رسول خدا در قبال بشریت مأموریت داشت، پیامبر، سال به سال رسالت خود را بسط و گسترش می‌داد.

**دیپلماسی فعال رسول اکرم9**

 اگر کسی دقت کند آن دقائق سیاسی و ملاحظات بسیار زیبایی که رسول خدا برای بسط مکتب خود در طول آن سال‌ها به کار گرفت را می‌بیند. یا به تعبیر امروزی دیپلماسی فعالی که رسول خدا برای گسترش اسلام در تمام نقاط عالم به کار گرفت، یک دیپلماسی به تمام معنا دقیق بود؛ ضمن این که در بین جنگ‌های بزرگ، شهامت، شجاعت، بزرگی و عظمت رزمی نمایان شد، رسول خدا به تمام معنا و با دقت هر چه کامل‌تر، بر اساس یک اصول سیاسی عمل کرد و مراحلی را برای بسط مکتب اسلام و پیام قرآن طی کرد. ما اگر بخواهیم تقسیم بندی کنیم و وارد بحث طولانی شویم در مقدمه‌ی بحث می‌مانیم من آن را عبور می‌کنم. آنچه مسلم است این است که پیامبر اسلام، وقتی به مدینه که آمدند اولین هسته‌ی دولت اسلامی را پایه‌گذاری کردند. رسول خدا بعد از تشکیل دولت اسلامی، در اندیشه‌ی نشر اسلام و گسترش پیام خود در همه‌ی عالم بود. منتها این گسترش، به صورت گام به گام و مرحله به مرحله انجام شد و پیامبر خدا گام به گام و مرحله به مرحله به نشر اسلام در نقاط گوناگون عالم پرداخت.

**تشریح تشکیل حکومت اسلامی توسط نبی مکرم اسلام9**

اوایلی که پیامبر اکرم9 در مدینه بودند یک دولت کوچک و نوپا بر اساس قوانین و مقررات اسلام تشکیل دادند ولی این دولت، دولتی است کوچک که در معرض انواع مخاطرات و تهاجم‌های بیگانگان قرار داشت. از یک طرف رسول خدا در خود مدینه، محاصره شده بود. این هم به جهت این بود که در اطراف مدینه قبائل و عشایری و یهودیانی بودند که سر ناسازگاری با اسلام داشتند. این دشمنان حلقه‌ای گرد مدینه پدید آورده بودند. مقداری هم که از مدینه فاصله بگیرید، مکه پایگاه مشرکان و کفار قریشی بود که سر ستیز جدی با رسول خدا داشتند. اصولا هجرت رسول خدا از مکه به خاطر ستیز، فشار و ضربات و هجوم‌هایی که آنها به پیکر مسلمانان وارد می‌کردند بود. این یک دولت کوچک است.

اما با اراده و با عزم استوار رسول خدا و با مجاهدات عظیم پیروان اندک ایشان و با یک خط مشی سیاسی بسیار دقیق، یک دولت کوچک در آن زمان در برابر آن همه سدها و موانع و هجوم‌ها به وجود آمد که با یاری و لطف الهی دامنه‌ی نفوذ این دولت، چنان گسترده شد که هنگام رحلت رسول خدا، اسلام نزدیک دروازه‌های اروپا بود. یعنی در ربع قرن، بعثت رسول خدا از یک نقطه‌ی یک نفره شروع شده بود؛ اما این موج همچنان در حال بسط و گسترش بود و در لحظه رحلت رسول خدا هم موج قرآن و موج این پیام نوین و جدید برای نجات بشریت، قلب‌ها و دل‌ها را تسخیر می‌کرد و موانع مزاحم و مضاد با نجات و آزادی بشر را در هم می‌کوبید. این جریانی بود که استمرار داشت.

**تدابیر حکیمانه‌ی نبی اکرم9 مانع از بین رفتن اسلام**

آنچه که من در اینجا می‌خواهم بر آن انگشت بگذارم و راجع به آن سخن بگویم، سال ششم هجرت است. این دولت کوچک تشکیل شد و با فضل الهی و با بصیرت بینایی و هوشیاری جمع کم مردم پیرو این دولت و حکومت در مدینه، از موانع زیادی عبور کرد. جنگ‌های بسیار سخت و کارزارهای بسیار عظیمی را پشت سر گذاشت. بدر، احد و چندین جنگی که هر یک از آن‌ها کافی بود دولتی را به تمام معنا ساقط کند. با آن همه ابزار و امکاناتی که در برابر رسول خدا جمع‌آوری شده بود و به میدان آورده شده بود، کافی بود که یکی از آن جنگ‌ها تمام هویت و اساس یک قوم و قبیله و یک دولت را از بین ببرد؛ اما اراده‌ی خدا و عزم استوار مسلمانان و رهبری بسیار حکیمانه‌ی رسول خدا، بر همه‌ی این موانع فائق آمد. هر یک از این جنگ‌ها که از آن عبور می‌کرد به نحوی ارکان این دولت تثبیت می‌شد. البته بعضی جنگ‌ها هم باعث مثل جنگ احد تضعیف می‌شد؛ اما معمولا خط کلی سیر رسول خدا و پیام جدید اسلام، برای بشریت رو به صعود، موفقیت و پیروزی حرکت می‌کرد. از این جهت است که ما می‌‌بینیم هر جنگ و اتفاقی که رخ می‌دهد رسول خدا با کمال حکمت و تدبیر الهی از آن کارزارها موفق بیرون می‌آید. حتی آنجایی که در ظاهر شکست می‌خورد، با هدایت و تدبیر حکیمانه پیامبر گرامی اسلام دولت فرو نمی‌پاشد. جنگ احد کافی بود که دولت اسلامی را در مدینه در هم بکوبد؛ اما با حکمت رسول خدا چنین نشد. در جنگ بدر آن پیروزی نمایان حاصل شد. رسول خدا هم هیچ وقت در درون خود نمی‌ماند. همیشه تلاش می‌کرد که وارد زمین و وارد قلمرو دشمن شود؛ اما با حکمت و درایت و تدبیر بسیار عمیق سیاسی.

**عدم آسایش مردم مدینه یکی از سیاست‌های رسول خدا**

هیچ گاه رسول خدا نگذاشت مردم مدینه به آرامش بیندیشند، چرا که اگر یک شبانه روز، مسلمانان در مدینه به فکر آسایش و آرامش می‌‌رفتند، همان کافی بود که دشمنان بینا و مهاجمانی که این جمعیت را در حلقه‌ی محاصره‌ی خودشان دارند اینها را تار و مار کنند و از بین ببرند. هیچ گاه رسول خدا نگذاشت این دولت کوچک اسلامی در خواب فرو برود. وقتی که قضیه‌ی مدینه حل شد، به اطراف مدینه فکر کرد. وقتی که قضیه‌ی اطراف مدینه تمام شد، حضرت به نقاط دیگری می‌اندیشید و با به هجرت فرستادن گروهی از مسلمانان، رسول خدا حلقه‌های محاصره را می‌شکست. تدبیر رسول خدا این بود که حلقه‌ی محاصره را بشکند و از درون حلقه بیرون بیاید و در نقاط مختلف عالم، رد پا و اثری باقی بگذارد. این حرکت رسول خدا بود.

**سال ششم و حرکت به سوی مکه**

سال ششم هجرت سال بزرگی است. در سیر زندگی مسلمانان و این دولت اسلامی که با رهبری رسول خدا تشکیل شده، سال ششم، سالی است که صلح حدیبیه اتفاق افتاده، قصه‌ی صلح حدیبیه یک قصه‌ی دلکش و دلنشینی است در تاریخ اسلام. رسول خدا در سال ششم که به نحوی حکومتش تثبیت شده بود، سال‌ها بود که از مکه هجرت کرده بود و همچنان مکه در اختیار کفار و مشرکان بود اما رسول خدا این را می‌دانست که مکه ارکان کفار قریش در مکه سست شده، و زمینه برای حضور در مکه آماده است. ناگهان رسول خدا در ذی القعده اعلام کردند که گوسفند و شتر و این‌ها آماده کنید که می‌خواهیم برای اعمال حج برویم. این خبر، به مسلمان‌ها شوک وارد کرد. برای اینکه این قضیه در مخیله‌ی تصور مسلمانانی که از مکه هجرت کرده بودند و مورد بغض و عداوت مردم مکه و کفار قریش بودند، خطور نمی‌کرد. رسول خدا ناگهان دستور داد که برای ادای اعمال حج آماده رفتن به مکه شوید. برای همه‌ی مردم جای تعجب بود؛ اما به فرمان رسول خدا مردم تجمع کردند. یک جمع چند هزار نفری بدون زنان و بچه‌ها و فقط مردان در ماه ذی‌القعده از مدینه به سمت مکه عازم شدند.

**تبیین سفر حج**

حوادث قابل پیش‌بینی نیست. مکه‌ای که جای اصلی اسلام بود ولی مسلمانان تحت فشار کفار قریش از آنجا بیرون آمدند و در طول این سال‌ها هم روابط مدینه و مکه قطع بود و الان مردم می‌خواهند به سمت مکه بروند. حضرت اعلام این سفر حج کردند. جمع زیادی جمع شدند و به سمت مکه حرکت کردند. در نزدیکی‌های مکه، خبر به مردم مکه رسید. سران قریش و کفار و مشرکان مکه طبعا در یک اضطراب عظیم و عجیبی قرار گرفتند. برای اینکه رسول خدا ادعای جنگ ندارد و فقط ادعای این را دارد که ما آمدیم اعمال مذهبی‌مان را انجام بدهیم. خیلی از آنهایی که در مکه حضور داشتند ادعایی این را داشتند که ما کلیددار کعبه هستیم. ما به کسانی که برای اعمال حج بیایند خدمات ارائه می‌دهیم. اینجا ماندند که چه بگویند؟

اگر تصمیم بگیرند که او را راه ندهند این خلاف ادعای آن‌هاست؛ اگر هم بخواهند رسول خدا را راه بدهند می‌دانستند که آمدن ایشان به مکه و آن عمل و رفتار حکیمانه‌ی ایشان، مکه را تسلیم می‌کند. سر دو راهی قرار گرفتند. حضرت نمایندگانی را داخل مکه فرستاد که ما نه سر جنگ داریم نه سر ستیز. جمعی هستیم که برای ادای اعمال دینی به خانه‌ی خدا آمده‌ایم. نمایندگان حضرت به مکه رفتند و حضرت مسیرشان را به طرف حدیبیه که بیست سی کیلومتری با مکه فاصله داشت، منحرف کردند و آنجا توقف کردند. نمایندگان حضرت رفتند مدتی طول کشید. مسلمانان در اضطراب شدیدی بودند و حوادث قابل پیش‌بینی نبود.

**حدیبیه و بیعت دوباره‌ی پیامبر اکرم9 با مردم**

بحث حدیبیه یکی از سرفصل‌های عظیم در تاریخ اسلام است. مدتی طول کشید و مردم هم که از مدینه آمده بودند در حدیبیه متوقف شده بودند و نگران این بودند که نمایندگان، از مکه چه خواهند آورد و برخورد کفار مکه در برابر قافله‌ای که ادعای جنگ ندارد و ادعای ادای مراسم دینی دارد چه خواهد بود. مدتی در حدیبیه متوقف بودند ولی خبری نرسید. با فاصله دیرتری خبر آمد و در همین ایامی که در حدیبیه هستند، قضیه‌ای اتفاق افتاد که در سوره‌ی فتح چندین آیه به آن قضیه ارتباط دارد و آن قصه را هم شما شنیده‌اید که بیعت شجره نامیده می‌شود.

حضرت در حدیبیه که متوقف بودند؛ چون حوادث قابل پیش‌بینی نبود. نیاز بود که مسلمانان یک روح و نشاط تازه‌ای پیدا کنند و عزم و اراده‌ی جدیدی داشته باشند؛ چرا که شاید یک جنگ شدید و بسیار سخت در پیش باشد. علی رغم اینکه این مردمان همه عمدتا مردمانی معتقد و دارای باور به رسول خدا و همراه رسول خدا آمده بودند و آماده هر فداکاری‌ایی بودند، در عین حال رسول خدا در آنجا احساس کرد یک بیعت جدیدی لازم است. این بیعتی است که در سال ششم هجری در ذی القعده در حدیبیه در فاصله بیست سی کیلومتری مکه محقق شد. یکی از آن بیعت‌های خیلی زیباست که در قرآن چندین آیه در رابطه با آن وارد شده است. در سوره‌ی فتح آیاتی راجع به این هست. در این سوره دقت کنید؛ خود آیه (**إِنَّا فَتَحْنا لَكَ فَتْحاً مُبينا**)[[4]](#footnote-4) را ببینید. دو احتمال است یکی اینکه این آیه مربوط به فتح مکه است که در سال هشتم واقع شد و بعضی‌ها می‌گویند که (**إِنَّا فَتَحْنا**)همان صلح حدیبیه‌ای است که در سال ششم اتفاق افتاد. در هر حال پیامبر احساس کرد که باید یک بیعت جدیدی با مردم بکنند. یک آمادگی نویی حاصل شود و آمادگی برای خطرهای احتمالی فراهم شود. به همین خاطر در همان جا بیعتی انجام شد، این بیعت را بیعت شجره یا بیعت رضوان می‌گویند. آیاتی در سوره فتح راجع به این بیعت آمده است و از آن بیعت‌های مهم، در تاریخ اسلام است. مردم از مدینه آمدند و به دور از خانه و کاشانه خودشان و نزدیک دشمن، در بیابان هستند و علی القاعده اگر دشمن اراده و توانایی داشت می‌توانست ضربه‌های کاری‌ای را وارد کند و قتل عام وسیعی انجام دهد. اینجا جایی بود که یک بیعت جانانه‌ای با رسول خدا محقق شود. این بیعت در بیابان در حدیبیه اتفاق افتاد.

**بیعت شجره بیعت با حضرت حق و نزول آرامش به مومنین**

آیاتی در قرآن آمده که (**إِنَّ الَّذِينَ يُبايِعُونَكَ إِنَّما يُبايِعُونَ اللَّه**)[[5]](#footnote-5)**‏** کسانی که با تو آمده‌اند و در زیر این درخت و در حدیبیه بیعت جدیدی کرده‌اند و پیمان بسته‌اند که تا بخشش جان، پای پیام تو و همراهی تو بایستند، اینها با تو بیعت نکرده‌اند، (**إِنَّما يُبايِعُونَ اللَّه**) اینها دست خود را در دست خدا نهاده‌اند و با خدا بیعت کرده‌اند. دست تو، جلوه و مظهری از دست خدا بود. (**إِنَّما يُبايِعُونَ اللَّه يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِم‏**) [[6]](#footnote-6)**‏** دست خدا بالای دست آن‌ها بود. دست خدا بالای دست انسان‌های پاکباخته و ایثارگر و دلداده‌ی رسول خدا بود. خدا با آن‌ها بیعت کرد و بیعت آن‌ها را پذیرفت. معلوم می‌شود این بیعت یک بیعت بسیار خالص و پاک و مطهری بوده است که این طور آیاتی در قرآن در باب آن وارد شده است. بعد در آیات دیگر که آیات خیلی زیبایی است: (**لَقَدْ رَضِيَ اللَّهُ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ إِذْ يُبايِعُونَكَ تَحْتَ الشَّجَرَة**)[[7]](#footnote-7) خدا با تأکید می‌‌فرماید: خشنود شد از آن کسانی که زیر آن درخت در بیابان حدیبیه با تو بیعت کردند (**لَقَدْ رَضِيَ اللَّهُ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ إِذْ يُبايِعُونَكَ تَحْتَ الشَّجَرَة فَعَلِمَ ما في‏ قُلُوبِهِم**) [[8]](#footnote-8) خدا دل‌های پاک آن‌ها را شناخت. خدا بر ضمیرهای صاف و پاک و انگیزه‌های پاکیزه‌ی آن‌ها آگاه شد (**فَأَنْزَلَ السَّكينَةَ عَلَيْهِم**) [[9]](#footnote-9) وقتی که خدا دید این دل‌های پاک، این دست‌های خدایی، این بیعت الهی محقق شد و دل‌ها را خداوند آزمود، خدا آرامش را بر آن‌ها فرو فرستاد. آرامش الهی، آرامش معنوی و طمأنینه خدایی به دنبال پاکی دل‌ها فراهم می‌شود.

وقتی که خدا بیعت آن‌ها را دید وقتی که دید این بیعت بر پایه‌ی یک قلب و نیت پاکی استوار شده (**فَأَنْزَلَ السَّكينَةَ عَلَيْهِم**) خدا آرامش را بر آنها فرو فرستاد. (**وَأَثَابَهُمْ فَتْحًا قَرِيبًا وَمَغَانِمَ كَثِيرَةً**)[[10]](#footnote-10) وقتی که این دل‌های پاک به میدان آمدند و قدم‌های استوار، وارد عرصه شدند و دست‌های خدایی به دست رسول خدا به عنوان بیعت داده شد، فتح خدا آمد. خدا به آن‌ها طمأنینه قلبی بخشید و به دنبال آن‌ها نصر و پیروزی و غنیمت‌های فراوان مادی متوجه آن مردم و جمعیت کرد. این قانون خداست، این سنت خداست.

**دو واقعه‌ی صلح حدیبیه و فتح مکه، نقاط عطف جهانی شدن دولت اسلامی**

در سوره‌ی فتح دو بار این آیه تکرار شده: (**وَ لِلَّهِ جُنُودُ السَّماواتِ وَ الْأَرْض**‏)[[11]](#footnote-11) چون تعدادی از این سوره‌ با فتح مکه و آیاتی هم از آن با صلح حدیبیه ارتباط دارد و این دو واقعه یعنی صلح حدیبیه در سال ششم و فتح مکه در سال هشتم، از آن نقاط عطفی بود که دولت اسلامی را جهانی کرد و بعد از این دو واقعه و در فاصله‌ی این دو واقعه است که رسول خدا دست به قلم برد و به سران حکومت ایران و روم و ده‌ها حکومت و دولت دیگر در آن زمان نامه نوشت. یعنی از سال ششم هجرت به بعد، دولت اسلامی و حکومت پیامبر در مدینه، از مرزهای جزیرۀ العرب فراتر رفت و رسول خدا زمینه را برای فرستادن نامه و پیک به ایران، روم، حبشه و ده‌ها دولت کوچک‌تری که دست نشانده‌ی این دولت‌های بزرگ بودند، فراهم دید.

خیلی‌ها شاید تصور نمی‌کردند که این دولت کوچکی که در غربت، در مظلومیت با آن همه هجوم‌ها به دست توانای رسول خدا پایه‌ریزی شد بتواند یک روزی برای سران عالم و همه‌ی مردم عالم پیام بفرستد. این نامه‌ها بعد از حدیبیه است. سوره‌ی فتح مربوط به این دو واقعه و سوره‌ای بسیار پر نکته است. دو بار در این آیه‌ی (**وَ لِلَّهِ جُنُودُ السَّماواتِ وَ الْأَرْض**‏)[[12]](#footnote-12) در سوره‌ی فتح تکرار شده است.

 بدانید که لشکر آسمان‌ها و زمین دست خداست. اگر عزم و اراده‌ی شما، آگاهی و بصیرت شما فراهم باشد، خدا همه‌ی این لشکر را در خدمت شما قرار خواهد داد. همه‌ی این امکانات آسمان و زمین در خدمت فتح و پیروزی صاحبان حق قرار خواهد گرفت. در آیه‌ی دیگر می‌‌فرماید: ( **وَلِلَّـهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ**‏)[[13]](#footnote-13) حکومت آسمان‌ها و زمین، لشکر آسمان‌ها و زمین برای خداست. وقتی کهخدا (**عَلِمَ ما في‏ قُلُوبِهِم**) [[14]](#footnote-14) دل‌های پاک را دید؛ وقتی که خدا آن بیعت زیبا را با پیامبرش مشاهده کرد (**فَأَنْزَلَ السَّكينَةَ عَلَيْهِم**) [[15]](#footnote-15) این سنت خداست. خدا آرامش را بر دل‌های آن‌ها فرو فرستاد و قدم‌های آن‌ها را استوار کرد و پیروزی را به آن‌ها نزدیک کرد؛ (**وَأَثَابَهُمْ فَتْحًا قَرِيبًا**)[[16]](#footnote-16) این واقعه در حدیبیه اتفاق افتاد.

**صلح پیامبر اکرم9 با کفار مکه**

پیامبر اسلام در حدیبیه تشخیص دادند که صلحی را با کفار قریش امضاء کنند و آن سال به مکه نروند. عده‌ای از مسلمانان معترض بودند و سوالی در ذهن داشتند که چرا پیامبر صلح کرد؟ ولی پیامبر خدا صلح‌نامه را تنظیم کرد که مفاد این صلح‌نامه این بود که ده سال آتش بس خواهد بود و اگر کسی از مکه به طرف مدینه خواست بیاید باید اجازه داشته باشد و اگر اجازه نداشته باشد، پیامبر آن‌ها را بر می‌گرداند؛ ولی از مسلمان‌ها هر کس می‌خواهد مکه برود، پیامبر مانع او نیست. این نشان دهنده‌ی اعتماد اسلام بر منطق، فکر و بر نفوذ اسلام در قلب‌ها بود که پیامبر فرمود: هر کسی از مدینه می‌خواهد برود، برود و آزاد است. اما اگر از مکه می‌خواهد به مدینه بیاید، باید از شما اجازه داشته باشد. مشرکان قریش دولت رسول خدا9 را به رسمیت شناختند. پیامبر در حقیقت با این صلح، از آن‌ها امضاء گرفت که ما هم حکومتیم و باید ما را به رسمیت بشناسید.

**نقض عهدنامه از طرف مشرکین و حرکت مسلمانان به سمت مکه**

مسلمانان سال بعد در مکه اعمال را انجام دادند ولی خود آن‌ها پیمان را شکستند. وقتی که آن‌ها پیمان آتش‌بس ده ساله را شکستند، رسول خدا9 دیگر هیچ سفارشی را نپذیرفت و فرمودند: ما به سمت مکه می‌‌رویم. این واقعه سال هشتم واقع شد. حضرت به سمت مکه رفتند. دیگر آن حکومت کفار و قریش مکه در درون خود پوسیده شده بود. مشرکین دیگر حرفی در برابر قرآن و معارف نورانی اسلام و مکتب نجات‌بخش اسلام نداشتند. سخنی برای اینکه مردم را دور خود جمع کنند نداشتند. پایه‌های فکری و هویتی آن‌ها سست شده بود. پیامبر خدا وقتی در سال هشتم هجرت نقض پیمان را دید، فرمان داد که به مکه می‌‌رویم و به سمت مکه حرکت کردند. درگیری مختصری در راه مکه اتفاق افتاد ولی آن چیزی نبود. همه‌ی مردم مکه به سمت پیامبر آمدند، ناگهان یک چیزی که در مخیله‌ی کسی خطور نمی‌کرد، اتفاق افتاد. مکه این دژ استوار شرک و کفر و دشمنان پر ستیز رسول خدا، با یک نفس رحمانی رسول خدا فتح شد و آیه (**إِنَّا فَتَحْنا لَكَ فَتْحاً مُبينا**)[[17]](#footnote-17) نازل شد. این فتح آشکار بود. این اراده‌ی خدا بود. این سنت الهی بود. این عزم و اراده و ایمان شما بود که این نصر را برای شما فراهم آورد.

**ارسال نامه به دولت‌های اطراف بعد از فتح مکه توسط رسول اکرم9**

بلافاصله بعد از فتح مکه است که نامه‌های رسول خدا افزایش پیدا می‌کند. در تعداد این نامه‌هایی که رسول خدا برای دولت‌های آن زمان فرستادند اختلافاتی وجود دارد. بیشترین عددی که گفته شده 255 نامه است که همه‌ی آن‌ها به دست ما نرسیده است و فقط 229 نامه به دست ما رسیده. رسول خدا حدود پانصد نامه دارند. بخش زیادی از این نامه‌ها، که قسمتی‌ از آن‌ها به دست ما رسیده، نامه‌هایی به دولت‌ها و سران قبایل و عشایر و حکومت‌های آن زمان است. رسول خدا با اطمینان تمام، با اعتماد به نفس در حد اکمل و کامل‌ترین وجه اعتماد به نفس، از سال ششم به بعد و به خصوص بعد از فتح مکه، نامه‌نگاری می‌کنند و دنیا را به اسلام دعوت می‌کنند. نامه‌ای به ایران، به روم و به ده‌ها قبیله و عشیره و دولت‌های کوچک‌تر می‌نویسند. تقریبا همین نامه‌ها اسلام را جهان شمول می‌کند و پیام اسلام را به اقصی نقاط عالم می‌‌رساند.

در هر حال در سیر قضایای دوره‌ی مدینه ما می‌‌بینیم که جنگ‌، صلح‌، نامه نوشتن‌ها، مقابله‌ها، مقاومت‌ها، رفت‌ و آمدهای رسول خدا بر اساس یک دیپلماسی دقیق، یک حکمت دقیق و سیاست بسیار زیبا بنا نهاده شده است.

**رساندن صدای حق و حقیقت به گوش تمام عالم**

همه‌ی این‌ها هم به خاطر این است که اسلام در درون مرز مدینه و جزیرۀ العرب محصور نشود و پیام اسلام به جهان و عالم منتشر شود. همه جا هم رسول خدا می‌‌فرمایند: ما حرف حقی داریم شما این را بشنوید و مانعی در برابر شنیدن حرف حق توسط مردم ایجاد نکنید. البته هر جایی که کسانی مانع شنیدن حقیقت می‌شدند، رسول خدا با کمال قدرت و قاطعیت و صلابت، به هر شیوه‌ای که دین، به ایشان اجازه می‌داد برای رزم و کارزار متوسل می‌شد و سنگرها، یکی پس از دیگری فتح می‌شد و این خیلی چیز فوق تصور است که در کمتر از ده سال اسلام و دولت کوچک و بسیار اندک، در گوشه‌ای از دنیا، در منطقه‌ی ناچیزی از دنیا و در زمان رسول خدا به دروازه‌های اروپا و آفریقا حاضر شود؛ یعنی سراسر جزیرۀ العرب و بخش‌هایی از آسیا و خاورمیانه را تحت تسخیر نفوذ پیام خود قرار داده بود و این پیام نو بر دروازه‌های آفریقا و اروپا حضور داشت. این کار بزرگی بود که رسول خدا انجام داد و پشتوانه‌ی این، ایمان، عزم واراده‌ی مردمی بود که به او ایمان آوردند و اگر این مسیر تداوم پیدا می‌کرد، سرنوشت بشریت به گونه‌ای دیگر رقم می‌خورد. امیدواریم خداوند توفیق معرفت این تاریخ نورانی و تأسی به سیره‌ی مبارک و پاک و نورانی رسول خدا به همه‌ی ما عنایت بفرماید.

**بِسْمِ اللَّـهِ الرَّحْمَـنِ الرَّحِيمِ أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِأَصْحَابِ الْفِيلِ \*أَلَمْ يَجْعَلْ كَيْدَهُمْ فِي تَضْلِيلٍ\*وَأَرْسَلَ عَلَيْهِمْ طَيْرًا أَبَابِيلَ\*تَرْمِيهِم بِحِجَارَةٍ مِّن سِجِّيلٍ\*فَجَعَلَهُمْ كَعَصْفٍ مَّأْكُولٍ)[[18]](#footnote-18)**

صدق الله العلی العظیم.

**خطبه‌ی دوم**

أَعُوذُ بِاللَّـهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ بِسْمِ اللَّـهِ الرَّحْمَـنِ الرَّحِيمِالْحَمْدُ لِلَّـهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ و صلی الله علی سیدنا و نبینا ابی القاسم محمد و علی علی امیر المؤمنین و علی الصدیقۀ الطاهرۀ فاطمۀ الزهراء و علی الحسن و الحسین سیدی شباب اهل الجنۀ و علی ائمۀ المسلمین علی بن الحسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی و علی بن محمد و الحسن بن علی و خلف القائم المنتظر. ساسۀ العباد و ارکان البلاد و ابواب الایمان و امناء الرحمن و سلالۀ النبیین و صفوۀ المرسلین و عترۀ خیرۀ رب العالمین صلواتک علیهم اجمعین.

**أَعُوذُ بِاللَّـهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ بِسْمِ اللَّـهِ الرَّحْمَـنِ الرَّحِيمِ (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّـهَ حَقَّ تُقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنتُم مُّسْلِمُونَ)[[19]](#footnote-19)عبادَالله اُوصیَکُم وَ نَفسیِ بِتَقوَی الله**

بار دیگر همه‌ی شما نمازگزاران؛ برادران و خواهران بزرگوار و خودم را به تقوای الهی و پارسایی، خویشتن‌داری، اصلاح نفس، تهذیب اخلاق، دوری از هواها و هوس‌های نفسانی و عمل به وظایف الهی سفارش و دعوت می‌کنم و از خداوند می‌خواهیم به برکت اولیاء خودش همه‌ی ما را از شایستگان و وارستگان در پیشگاه خودش قرار بدهد.

**توصیه‌ی به تقوا در کلام امیرالمومنین7**

این سخن و کلام دلنشین مولا امیرالمؤمنین7 را برای توصیه‌ی به تقوا در محضر شما تلاوت می‌کنم. حضرت چنین می‌‌فرمایند: «**أُوصِيكُمْ أَيُّهَا اَلنَّاسُ بِتَقْوَى اَللَّهِ وَ كَثْرَةِ حَمْدِهِ عَلَى آلاَئِهِ إِلَيْكُمْ**»[[20]](#footnote-20) مردم؛ شما را به تقوا و پرهیزکاری توصیه می‌کنم. شما را به حمد و ثنا و ستایش فراوان خدا و شکر بر نعمت‌های بیکران خدا توصیه می‌کنم. چه فراوان است نعمت‌هایی که خدا بر شما ارزانی داشته است و چه لطف‌ها و عنایت‌هایی که خدا بر شما ارزانی داشته است

**یاد مرگ در کلام امیرالمومنین7**

«**وَ أُوصِيكُمْ بِذِكْرِ اَلْمَوْتِ وَ إِقْلاَلِ اَلْغَفْلَةِ عَنْهُ**»[[21]](#footnote-21) مردم؛ شما را به یاد مرگ و کم کردن غفلت از مرگ توصیه می‌کنم. چگونه می‌شود که شما غفلت می‌‌ورزید از چیزی که او از شما غافل نیست. مرگی که از شما غافل نیست، مورد غفلت شماست. چگونه به چیزی طمع می‌‌ورزید که او به شما مهلت نخواهد داد. بهترین موعظه‌ها و نصیحت‌گران برای شما، مردگانی هستند که هر روز آن‌ها را می‌‌بینید. قافله مردگان بهترین موعظه‌گران برای شما هستند. می‌‌بینید که چگونه بی هر گونه تجهیزی به سوی قبرها و مقبره‌ها حمل می‌شوند. آیا نمی‌اندیشید که این‌ها روز قبل زندگی آبادی داشتند و امروز دستشان از هر چاره‌ای کوتاه شده است؟ چنان مرگ آن‌ها را در کام خود فرو بسته است که گویا هیچ گاه در این عالم نبوده‌اند. این چنین، مرگ همه‌ی هستی آن‌ها را به فنا برده است «**كَأَنَّهُمْ لَمْ يَكُونُوا لِلدُّنْيَا عُمَّاراً**»[[22]](#footnote-22) گویا این‌ها آبادکنندگان دنیا نبوده‌اند. گویا اصلا دنیا خانه‌ی آن‌ها نبوده است.

امروز از میان اقران و دوستان و خانواده، رخت بربسته‌اند و در قبری تنها، مسکن گزیده‌اند. این بهترین موعظه و نصیحت برای شماست. امروز آن‌ها به چیزی مشغول شده‌اند که روزی قبل غافل از آن بوده‌اند و آن عمل بوده است. امروز آن‌ها هستند و اعمال و کرداری که داشتند. نمی‌بینید که چگونه به دنیا انس ورزیدند و امروز چگونه دنیا به آن‌ها پشت کرده است؟ پس در زندگی و در این مسابقه‌ی بزرگ الهی از این موعظه‌ها، الهام بگیرید و این نصیحت‌ها را بشنوید. امیدواریم این سخنان و موعظه‌ها از مولا امیرالمؤمنین7 مورد توجه و اقبال ما قرار بگیرد و ما از خواب‌های غفلت بیدار شویم.

**میلاد رسول اکرم و امام جعفرصادق8 و هفته‌ی وحدت**

میلاد پیامبر گرامی اسلام و امام جعفر صادق8 و هفته‌ی وحدت را به حضور شما برادران و خواهران نمازگزار تبریک و تهنیت عرض می‌کنم و امیدواریم که این فرصت‌ها و مناسبت‌ها ضمن اینکه فرصتی برای شادمانی و نشاط معنوی و اخلاقی ما باشد، از آن‌ها برای آشنایی با این چهره‌های تابناک و نورانی حضرات معصومین: بتوانیم استفاده کنیم.

**سوم خرداد و فتح خرمشهر**

همین طور امروز روز بسیار بزرگی است و انصافا از ایام الله بزرگ تاریخ انقلاب ماست. روز فتح خرمشهر سوم خرداد که این مناسبت را باید به همه‌ی ملت، به امام زمان7 و به رزمندگان و بسیجیان و ایثارگران دوره‌ی دفاع مقدس تبریک و تهنیت عرض کنیم. بدون تردید آن امری که خداوند در سوره‌ی ابراهیم به حضرت موسی فرمود: (**وَذَكِّرْهُم بِأَيَّامِ اللَّـهِ**)[[23]](#footnote-23) که مردم را متوجه ایام الله بکن. آن امر راجع به فتح خرمشهر مصداق دارد. برای اینکه کسانی که از سلسله‌ی وقایع و حوادث و آن همه دشواری‌های دوره‌ی دفاع مقدس آگاهی داشته باشند و آنچه که بعد از جنگ نشان داده شد که چه دست‌های مرموز و چه توطئه‌های عمیق و همه جانبه‌ای پشت دفاع مقدس و هجوم به کشور ما بود، اگر کسی همه‌ی آنها را در ذهن خود جمع کند آن وقت می‌‌فهمد که فتح خرمشهر، همان جمله امام است که فرمودند: «خرمشهر را خدا آزاد کرد» حقیقت مسئله همین است. ما این را تکرار هم بکنیم هیچ مانعی ندارد. برای آن نسل جوانی که امروز میراث آن دفاع بزرگ الهی و انقلاب شکوهمند اسلامی هستند، آگاهی به این‌ها و یادآوری این نکات، امر مهمی است.

**انقلاب نوظهور، مورد هجمه‌ی تمام قدرت‌های جهانی**

چیزی نظیر آن‌چه که در عصر رسول خدا اتفاق افتاد، در کشور ما اتفاق افتاد. انقلابی با نام اسلام و دین در معرض تهاجم همه‌ی قدرت‌های دنیا قرار گرفت. در معرض اتفاق همه‌ی قدرت‌های دنیا بر علیه آن قرار گرفت. البته این قدرت‌های عظیم دنیا، در آن زمان بخشی از آن‌ها مستقیم در برابر ما و همراه دشمنان ما بودند؛ مثل آمریکا و پاره‌ای از کشورهای دیگر. بخشی غیر مستقیم حمایت می‌کردند و بخش کوچکی از قدرت‌های دنیا هم ساکت بودند و تقریبا می‌شود گفت که ما در دفاع مقدس، در دنیای آن زمان و در شرایط آن موقع، همراهی جز یکی دو مورد ناچیز نداشتیم. یعنی در دولت‌ها و قدرت‌های دنیا. اما موج انقلاب، پیام ارزشمند انقلاب در ملت‌های دنیا خیلی خریدار داشت و هنوز هم دارد؛ اما در میان دولت‌های دنیا آن وقت با امروز خیلی تفاوت داشت. در آن زمان ما در همه‌ی قدرت‌های دنیا هیچ موافقی نداشتیم جز یکی دو مورد که آنها هم به دنبال منافع خود بودند؛ نه آرمان‌هایی که ما تعقیب می‌کردیم.

شما تصور کنید در یک جنگ که همه‌ی دنیا در آن یا همراه دشمن‌اند یا مؤید دشمن‌اند یا ساکت‌اند و همه‌ی ابزارهای تبلیغاتی، نظامی و ابزارهای تهاجم به کشور در دست دشمن قرار گرفته، چگونه می‌شود ملتی با آن همه ابزار و تجهیزات و آن همه توطئه‌های عظیم، روی پای خودش بایستد؟ این جز آن ایمان و صلابت و استواری، آن جلوه‌ی رحمانی خدا که بر این کشور آن زمان حاکم شد، امکان ندارد و نسل جوان ما در عرصه‌ی دفاع از این کشور و نگه داشتن پیام انقلاب و اسلام و مکتب اهل بیت: این توفیق را پیدا کرد، و گرنه هیچ چیز دیگری نبود. این حادثه‌ی جنگ و دفاع مقدس یک چیزی است که ما هرچه در باب آن بگوییم کم گفتیم.

**استفاده از سلاح‌های شیمیایی در جنگ تحمیلی توسط دشمن**

همین اسنادی که بعدها کشف شده و از دشمن منتشر شده، چیزهای است که آن وقت نبود. همین حمله‌های شیمیایی که هنوز هم داریم آثارش را تحمل می‌کنیم، هنوز هم عزیزمان بر اثر آسیب‌های شیمیایی به شهادت می‌‌رسند، آن وقت دنیا نمی‌توانست آن را بپذیرد؛ اما امروز دنیا این را می‌‌پذیرد که همین‌هایی که امروز مدعی مبارزه با تروریسم هستند خودشان در بخشش این سلاح‌های قتل عام جمعی و کشنده، به صدام با دست باز عمل می‌کردند. آن واقعه‌ی حلبچه و حوادث عجیبی که در جبهه‌های ما اتفاق افتاد. روی قدرت مداران دنیا را سیاه کرد و وجدان‌های آگاه می‌‌فهمند که ما در چه مظلومیتی بودیم؛ اما مظلومیت همراه با عزت. آن عزت و پایداری از قلب‌های پاک برخاسته بود و از این جهت است که سوم خرداد و فتح خرمشهر روز خداست. جلوه‌ی خدا در این روز بر سرزمین ما و در عرصه‌های رزم و دفاع ما انعکاس و تابش پیدا کرد. پیروزی از خدا بود و دست خدا خرمشهر را آزاد کرد و ایمان و اراده‌ی جوانان ما، بسیج ما، سپاه ما، ارتش ما، سلحشوران ما، در روز فتح خرمشهر پاداش خودشان را از خدا گرفتند. چون از روی محاسبات عادی امکان نداشت که همچنین اتفاقی بیفتد. چون همه‌ی سلاح‌ها دست دشمن، تبلیغات دست دشمن، هجوم‌های فکری تبلیغی دست دشمن و خرمشهر هم منطقه‌ی بزرگ با آن ادعاهایی که دشمن داشت، خدا آن‌جا را آزاد کرد و روز بزرگی است و باید تبریک گفت و این روز باید بماند.

**تهدیدهای پی‌درپی مسئولین آمریکایی**

آنچه که مهم است این است که امروز هم ما نیاز به همان وحدت و بصیرت و آگاهی داریم. همین روزها باز ملاحظه کردید که تهدیدهای بوش تکرار شد. این تکرار این تهدیدها را نمی‌شود چیز ساده‌ای گرفت. قطعا دشمن برای خودش نقشه و دسیسه دارد‌ و تکرار این تهدیدها و حرف‌های مفتی که در دنیا می‌‌زنند چیزی است که ما را باید بیدار کند. ببینید دنیای بی‌انصافی که طالبان را خود آمریکا پرورش داد؛ پاکستانی که وابسته به آمریکا بود پرورش داد و عربستان منبع تغذیه‌ی فکری طالبان و این گروه متحجر بود؛ اما امروز می‌‌بینید که عربستان منبع تغذیه‌ی فکری و مالی طالبان، پاکستان منبع حمایت‌گر طالبان در امنیت هستند و ایرانی که هدف آن تهاجم و ترورها بوده به عنوان تروریست در دنیا معرفی می‌شود. کدام وجدان پاک این را می‌تواند بپذیرد؟ اینهایی که از خودشان بودند، امروز پاک شدند. اینهایی که دستشان به ترور آغشته است، امروز پاک هستند. اما دفاع کنندگان از سرزمین خودشان در لبنان و فلسطین تروریست‌اند. این از دردهای بزرگ روزگار ماست که با هیچ منطقی قابل تأویل نیست و تهدیدهایی که می‌شود، نشان می‌دهد که ما دور جدیدی از تهاجم دشمن را تجربه می‌کنیم. همان طور که در دوره‌ی دفاع مقدس این دور را داشتیم.

**هوشیاری ملت و دولت در قبال تهدیدها**

عبور از این موج و از این تهدیدها نیاز به این دارد که دولت و ملت، گروه‌ها و جناح‌ها و مسئولان ما همه آگاهی و هوشیاری داشته باشند. پیام خرمشهر و تهدیدهایی که امروز متوجه‌ی کشور ماست به ما می‌گوید که مسئولین ما باید در حکومت‌داری و برخورد درست با مردم به خود برگردند؛ توجه بیشتری کنند. امروز حکومت، با نام اسلام برپاست. توجه به معیارها، دقائق، ظرائف و ریزه کاری‌هایی که باید در خصوص ملت و توجه به ملت داشت امر مهمی است که نباید از آن غافل بود. این مسئولیت سنگین حکومت‌داران است که بسیار سنگین است.

**حفظ انسجام و وحدت در کشور**

از طرفی هم مسئولیت ملت و جناح‌های سیاسی برای اینکه وحدت و انسجام را حفظ کنند، در تقابل با همدیگر راه بی‌انصافی نروند. آن مصالح عالی اسلام، مصالح بلند اسلام را در دنیای امروز رعایت کنند. ارزش‌هایی که مبنای انقلاب ما بود، باید حفاظت بشود.

**حفظ ارزش‌های اسلامی**

من در کمال شرمندگی باید بگویم که جمعی از کسانی که از کشورهای دیگر در کشور ما درس می‌خوانند، در همین نمایشگاه کتاب که حضور پیدا کرده بودند برخی از وقایع خلاف ارزشی را که مشاهده می‌کردند می‌گفتند: آن چیزی که شما می‌گویید این است؟ مایی که در دنیا خریدار داریم و همه‌ ی توجه‌ها به ماست، انقلاب ما حرف نویی در دنیا داشته و هنوز هم دارد، اگر در درون خود در حکومت داری‌ ما، آن ضعف‌ها و مشکلات وجود داشته باشد و بعد بیاییم در صحن عمومی و فرهنگ عمومی جامعه آن معیارهای انسان مؤمن، ارزش‌های اخلاقی که باید در جامعه مطرح باشد، مورد غفلت قرار بگیرد، ما بدترین خیانت را به اسلام و کشورمان کردیم. ما راهی را رفتیم که اگر در میانه‌ی این راه پشت به اسلام کنیم و به مصالح عالی کشور و ملت و اسلام این مثل روز اول نیست، این یک خیانت است. باید واقعا توجه کرد.

**عدم اظهار ضعف و سستی در برابر دشمن**

تدبیر به خرج داد. ما نباید در برابر تهدیداتی که وجود دارد ضعف و سستی نشان دهیم. گروه‌هایی از ما نباید طوری حرکت کنیم که دشمن فکر کند که اینها ترسیده‌اند و عقب‌نشینی می‌کنند. اگر ما به دشمن ترس نشان بدهیم دشمن جلو می‌آید. باید عزت و صلابت خودمان را به دشمن نشان دهیم. در کنار آن هم باید بصیرت و هوشیاری داشت و بهانه‌ی بیجا به دشمن نداد و با دیپلماسی قوی حرکت کرد. جمع این دو کاری است که باید سیاسیون ما به آن توجه داشته باشند. نباید بهانه به دست دشمن داد. در شرایط امروز باید با تدبیر و حکمت و درایت در عرصه‌ی بین المللی حرکت کرد. ولی در عین حال نباید از خود رعب و وحشت و سستی نشان داد. این دو را باید با هم جمع کرد و اگر این دو را با هم جمع کنیم می‌توانیم عزت خودمان را حفظ کنیم. امیدواریم از نورانیت فتح خرمشهر امروز هم چیزی نصیب ما شود تا نسل جوان ما این توانایی مقاومت و تدبیر و درایت و پیشرفت و ترقی را داشته باشد.

**دعا**

نسئلک اللهم و ندعوک، باسمک العظیم الاعظم، الاعز الاجل الاکرم یا الله ...

خدایا دلهای ما را به انوار ایمان روشن بفرما؛ اللهم اغفر للمومنین و المومنات والمسلمین والمسلمات؛ اللهم انصر الاسلام و اهله و اخذل الکفر و اهله؛ اللهم انصر جیوش المسلمین و عساکر المسلمین؛ خدایا خدمتگزاران به اسلام و مقام معظم رهبری و مراجع عظام را مؤید و منصور بدار؛ ارواح تابناک شهیدان و امام شهیدان و اموات و درگذشتگان و مراجع و علمای فقید ما و درگذشتگان این جمع را با اولیای خودت محشور بفرما؛ باران رحمت و برکاتت بر ما فرو بفرست؛ سلام ما را به محضر امام عصر7 ابلاغ بفرما؛ ما را از یاران او مقرر بفرما.

**بسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ اللَّهُ الصَّمَدُ لَمْ يلِدْ وَلَمْ يولَدْ وَلَمْ يكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ[[24]](#footnote-24)**

1. . سوره‌ی آل عمران، آیه‌ی 102. [↑](#footnote-ref-1)
2. . نهج البلاغة، خطبه 204، ص 234. [↑](#footnote-ref-2)
3. 2. سوره‌ی بقره‌ُ، آیه‌ی 197 [↑](#footnote-ref-3)
4. . سوره‌ی فتح، آیه‌ی 1. [↑](#footnote-ref-4)
5. . سوره‌ی فتح، آیه‌ی 10. [↑](#footnote-ref-5)
6. . سوره‌ی فتح، آیه‌ی 10. [↑](#footnote-ref-6)
7. . سروه‌ی فتح، آیه‌ی 18. [↑](#footnote-ref-7)
8. . همان. [↑](#footnote-ref-8)
9. . همان. [↑](#footnote-ref-9)
10. . سوره‌ی فتح، آیه‌ی 18 و 19. [↑](#footnote-ref-10)
11. . سوره‌ی فتح، آیات 4 و 7. [↑](#footnote-ref-11)
12. . سوره‌ی فتح، آیه‌ی 7. [↑](#footnote-ref-12)
13. . سوره‌ِ آل‌عمران، آیه‌ی 189. [↑](#footnote-ref-13)
14. . همان. [↑](#footnote-ref-14)
15. . همان. [↑](#footnote-ref-15)
16. . سوره‌ی فتح، آیه‌ی 18 و 19. [↑](#footnote-ref-16)
17. . سوره‌ی فتح، آیه‌ی 1. [↑](#footnote-ref-17)
18. . سوره‌ی فیل، آیات 1تا 5. [↑](#footnote-ref-18)
19. . سوره‌ی آل عمران، آیه‌ی 102. [↑](#footnote-ref-19)
20. . نهج‌البلاغه، خطبه‌ی 188، ص 279. [↑](#footnote-ref-20)
21. . همان. [↑](#footnote-ref-21)
22. . همان. [↑](#footnote-ref-22)
23. . سوره‌ی ابراهیم، آیه‌ی 5. [↑](#footnote-ref-23)
24. . سوره الاخلاص [↑](#footnote-ref-24)